

A Survey on History the First Women's Hospital in Iran

ARTICLE INFO

Article Type

Historical Original Research

Authors

Karimian A.* MSc

How to cite this article

Karimian A. A Survey on History the First Women's Hospital in Iran. Sarem Journal of Reproductive Medicine. 2017;1(3):117-126.

ABSTRACT

Aims Modern medicine in Iran during the Qajar period and the Chancellery of Amir Kabir, especially after the establishment of the "Darulfonon", flourished. This school had a variety of majors, including medicine and pharmacy, and with the recruitment of foreign teachers, was a major contributor to the development and teaching of science, including medicine. Then the school graduates, along with teachers, established government hospitals. Also, at that time, some branches of hospitals were assigned to midwives and tutors in the hospital, which were soon shut down. But in the next years, regarding to the increasing number of high-risk pregnancies and the deaths of women and children, the necessity of establishing a hospital for pediatricians and obstetricians was quite evident. So far, there has been some the sources about the maternity hospital that does not exceed a total of several lines, but in the Qajar periodical archives and publications, as well as internal and external experts' reports, the history of the women's hospital was presented in terms of the process of development and executive organization, financing, development of activities.

Conclusion Dr. Amir Alam in 1915 stated the necessity of establishing a maternity hospital to the Ministry of Education. Thus, the Board of Governors donated a building for the hospital. After the establishment and supply of equipment in 1916, the maternity hospital was opened. From the time of its establishment to 1927, this hospital was under the supervision of Dr. Alireza Mohazzabolsaltaneh. Women's Hospital as the first special treatment center for women and children in Iran was the base of other health centers, and treatment programs for women and children in the country.

Keywords Hospital; Women; Midwives; Nurses

CITATION LINKS

[1] Analytical report of 4 year performance: on the occasion of the 70th year of establishment of the Terhran University of Medical Sciences 1934-2009 [2] Pars Annual [3] The history of military medicine [4] Madam Carla serena's itinerary in Iran [5] Sina hospital in the course of time [6] TalimolGhavabel: Midwifery training in Qajar [7] Aramaghan-e Javid or Doctor Aalam's Biography [8] Untitled [9] A glance to charity affairs in Qajar Era [10] History of medicin in Iran [11] National Library And Archives Of Iran. Accession No 24094406 [12] Research in the history of Imam Khomeini Hospital [13] Science and education and culture Ministers of Iran [14] History of New Civilization Institutions in Iran [15] Preparations for Qajar dethronment and Reza-Khan's coronation by audigheh one the Darul-Funun, French teachers and ms. dermps, Former student of the Eastern languages school [16] National Library And Archives Of Iran. Accession No.297043704 [17] National Library and Archives of Iran. Accession No.297011414 [18] National Library and Archives of Iran. Accession No.240009267 [19] Calendar of Iran's contemporary history [20] National Library and Archives of Iran. Accession No.2400032562 [21] National Library and Archives of Iran. Accession No.240095867 [22] National Library and Archives of Iran. Accession No.113009. Row No.54422 [23] National Library and Archives of Iran. Accession No.113009. Row No.52431 [24] Iran's health situation report in Iran [25] National Library and Archives of Iran. Accession No.29728655 [26] National Library and Archives of Iran. Accession No.103004. Row No.6368 [27] NNational Library and Archives of Iran. Accession No.103004.Row No.6349 [28] National Library and Archives of Iran. Accession No.103004. Row No.6443 [29] Statistics Annual, 1938-1939 [30] Modern health in Iran [31] Nadereh karan (mourning letter for Cultural and literary renowneds) 1925-2002 [32] The Biography the famous cantemporary Iranian physicians [33] A Comprehensive dictionary of Contemporary Iranian and mititary Personalities

*Governmental Management Training Center, Tehran, Iran

Correspondence

Address: Sarem Women's Hospital, Basij Square, Phase 3, Ekbatan Town, Tehran, Iran. Postal Code: 1396956111

Phone: +98 (21) 44670888

Fax: +98 (21) 44670432

ali_karimian_2011@yahoo.com

Article History

Received: March 17, 2016

Accepted: June 21, 2016

ePublished: August 15, 2017

مروری بر تاریخچه مریض‌خانه نسوان (بیمارستان زنان) در ایران

علی کریمیان * MSc

مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: طب نوین در ایران در زمان قاجاریه و صدراعظمی /میکربیر، به‌خصوص پس از تأسیس دارالفنون رونق گرفت. این مدرسه دارای رشته‌های مختلفی از جمله طب و داروسازی بود و با استخدام معلمان خارجی سهم عمده‌ای در گسترش و آموزش علوم از جمله طب داشت. سپس دانش‌آموختگان مدرسه به‌همراه معلمان، مریض‌خانه‌های دولتی تأسیس کردند. همچنین در آن دوره شعبه‌ای از بیمارستان‌ها به تربیت قابله‌ها و طبیبه‌ها در مریض‌خانه اختصاص یافت که به‌زودی تعطیل شدند. اما در سال‌های بعد با توجه به آمار فزاینده حاملگی‌های پرخطر و مرگ‌ومیر زنان و کودکان، ضرورت تأسیس بیمارستانی مختص نسوان و کودکان بر کسانی که در عرصه طبابت اشتغال داشتند، کاملاً مشهود بود. تا به حال به‌اختصار مطالبی در منابع و مآخذ مکتوب درباره مریض‌خانه نسوان نگاشته شده که در مجموع از چند سطر تجاوز نمی‌کند، اما به‌مدد اسناد آرشیوی و نشریات عصر قاجار، همچنین گزارش‌های کارشناسان داخلی و خارجی، تاریخچه مریض‌خانه نسوان از نظر روند سیر تطور و تشکیلات اجرایی، تأمین اعتبار و توسعه فعالیت‌ها تدوین و ارائه شد.

نتیجه‌گیری: دکتر /میر/علم در سال ۱۳۳۴ هجری قمری لزوم تأسیس مریض‌خانه نسوان را به وزارت معارف خاطرنشان کرد. بدین ترتیب هیات دولت عمارتی به مریض‌خانه اهدا کرد. پس از تأسیس و تأمین وسایل و تجهیزات در سال ۱۳۳۵ قمری مریض‌خانه نسوان افتتاح شد. این مریض‌خانه از زمان تأسیس تا سال ۱۳۰۵ شمسی زیر نظر دکتر علی‌رضا مهندس/سلطنته بود. مریض‌خانه نسوان به‌عنوان نخستین مرکز درمانی اختصاصی زنان و کودکان در ایران زیربنای سایر مراکز بهداشت، درمان و آموزش درمان زنان و کودکان در کشور شد.

کلیدواژه‌ها: مریض‌خانه، نسوان، ماماها، پرستاران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۰۱

*نویسنده مسئول: ali.karimian1342@gmail.com

مقدمه

طب نوین در ایران در زمان قاجاریه و با ظهور میرزا تقی‌خان /میکربیر و تأسیس دارالفنون توسط او پایه‌گذاری شد. مدرسه عالی دارالفنون در ابتدا با رشته‌های مختلفی مانند طب و داروسازی، ریاضیات، ادبیات، هنرهای زیبا، تعلیمات نظامی و اقتصاد سیاسی، در سال ۱۲۶۸ قمری تأسیس شد. در سال ۱۸۵۸ میلادی، این مدرسه با استخدام معلمان خارجی و اعزام دانشجو به خارج (یا به قول استاد مجتبی مینوی: کاروان معرفت) در گسترش و آموزش طب نوین سهمی عمده داشت. قبل از تأسیس دارالفنون، شیوه آموزش حرفه‌ها به‌صورت استاد شاگردی بود و کارآموزان طبابت، پس از طی دوره مقدماتی در مطب یا محکمه طبابتی معروف، طبابت را به‌طور عملی می‌آموختند^[۱].

در سال ۱۲۶۸ قمری، ۱۸۴۹ میلادی، با تأسیس دارالفنون، طب به‌تنهایی یکی از ارکان دارالفنون بود و به‌عنوان رشته‌ای جدا، در جایگاه یکی از دروس اصلی آموزش در نظر گرفته می‌شد. نخستین دوره فارغ‌التحصیلان کلاس طب، پس از سال ۱۲۷۳ قمری، ۱۲۳۵ شمسی، ۱۸۵۶ میلادی، شروع به‌کار کردند. مدرسه طب دارالفنون را شاید بتوان نخستین مدرسه عالی جدید ایران به‌شمار آورد. در آن زمان دروس رشته طب به ۳ دسته مجزا تقسیم می‌شدند که شامل طب ایرانی، طب اروپایی و طبیعیات و داروسازی می‌شد. بدین‌ترتیب علوم طبیه ایران حیاتی تازه گرفت، مریض‌خانه‌های دولتی تأسیس شدند و محصلان عملاً با طب جدید آشنا شدند.

دانشنامه صرام در طب باروری

شعبه‌ای برای تربیت قابله‌ها و طبیبه‌ها در مریض‌خانه دایر شد، ولی آغاز به کار آن تا مدتی معوق ماند^[۲]. در سال ۱۲۹۷ شمسی، ۱۹۱۸ میلادی رشته طب از دارالفنون جدا و به‌صورت مدرسه مستقلی درآمد و رییس و محل جداگانه‌ای را به آن اختصاص دادند^[۱]. در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۲۶۹ قمری، ۳ سال پس از ورود دکتر پولاک به ایران، با دستور شاه و کوشش دکتر پولاک، مریض‌خانه مخصوص دولتی، در قالب مریض‌خانه‌ای نظامی برای لشکریان، خارج از شهر تهران تأسیس شد. محل این بیمارستان بیرون از دروازه دولت بود. از بدو تأسیس، این مریض‌خانه، مکانی برای آموزش محصلان شعبه دارالفنون بود و سال‌ها تحت نظر حکیم‌باشیان نظامی اداره می‌شد^[۳]. مادام‌کارلا سرنّا فرانسوی در نوامبر ۱۸۷۷ میلادی، شعبان ۱۲۹۴ قمری، آبان (عقرب) ۱۲۵۶ شمسی، مقارن با سی‌امین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه، از طریق دریای مازندران به ایران آمد. او درباره مریض‌خانه نظامی می‌نویسد:

"مریض‌خانه نظامی‌ها که چند سال پیش به دستور ناصرالدین‌شاه در تهران احداث شده است. به‌حق به "گورستان زنده‌ها" معروف شده است، از چند اتاق تشکیل یافته که در آن، در حدود ۲۰ تخت در انتظار بیمار، خالی افتاده است و کسی رغبت خوابیدن در آن بیمارستان را ندارد، چون همه می‌دانند با آن که اعتبار کافی برای نگهداری مریض‌خانه تأمین و مرتباً پرداخت می‌شود ولی از محافظ، پرستار، پزشک و دارو در آن خبری نیست. این بیمارستان بر مبنای نیت خیر و به‌منظور آن که شاگردان مدرسه طب طهران (دارالفنون) بتوانند در آن درس‌های عملی را خوب یاد بگیرند، ایجاد شد اما با درگذشت استاد اروپایی که یکی از درس‌ها را او تدریس می‌کرد، فعالیت آن کاملاً متوقف شده است^[۴]".

در سال ۱۲۹۰ قمری ناصرالدین‌شاه که در بازگشت از سفر فرنگ به‌شدت تحت تأثیر پیشرفت‌های صنعتی و خدمات درمانی گسترده اروپا قرار گرفته بود، دستور داد مریض‌خانه‌ای به سبک بیمارستان‌های ممالک اروپایی دایر کنند، برای این منظور او مشیرالدوله، صدراعظم و علیقلی میرزا /اعتضادالسلطنه، وزیر علوم را به انجام این امر مامور کرد. آنها نیز پس از فراهم کردن مقدمات امر و اختصاص ساختمانی برای این مریض‌خانه و تجهیز نسبی آن، در سال ۱۲۵۱ شمسی، ۱۲۹۳ قمری، مریض‌خانه‌ای را تأسیس کردند که بعدها به "مریض‌خانه دولتی" موسوم شد و پس از تأسیس به مدت ۵ سال، دکتر علی‌اکبرخان نفیسی (ناظم‌الاطباء) عهده‌دار ریاست آن بود، در سال ۱۲۹۸ قمری، مخبرالدوله به ریاست مریض‌خانه منصوب شد^[۵]. با همه این احوال تا پیش از آغاز آموزش‌های کلاس یک و عالی در خصوص حرفه و دانش قابلگی (مامایی) وظیفه بارنهادن زنان و سلامت جنین، نوزاد و مادر، همه بر عهده قابله‌های عاقله سرد و گرم چشیده‌ای بود که به مدد گیسوی سپید و ممارست شخصی به کمک زائو می‌شتافتند و چه بسا هنگامی که زایمان روند غیرعادی داشت، کاری از آنها ساخته نبود و در چنین شرایطی، قطع امید از زندگی را برای نوزاد یا مادر و گاهی برای هر دو رقم می‌زد^[۶]. این‌گونه وقایع در میراث مکتوب کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است و امروز به مدد اسناد، کتاب‌ها و نشریاتی که از گذشته به‌جا مانده است در حد بضاعت توانستیم مطالبی در مورد تاریخچه مریض‌خانه نسوان تدوین نماییم. امید است این تلاش، فتح بابی برای پژوهش‌های درخور آتی باشد.

شرح متن

در سال ۱۳۲۵ قمری دکتر /میر/علم رییس مجلس حفاظ‌الصحه دولتی، (تصویر ۱) به قصد زیارت آستان قدس و سرکشی به

کودکان تاسیس یابد؛ و چون این امر راجع به منفعت عامه است و مطبوعات همیشه خدمت به نوع و ترویج منافع عمومیه را وظیفه و شعار خود دانسته و می‌دانند، لذا جای این دارد که این نیت حقیر را ترویج نموده و خاطر عموم را مستحضر سازند و برای استحضار خاطر شریف یک جلد از لایحه که در این باب به طبع رسیده، لفاً تقدیم می‌نماید»^[۸].

شکوفه:

"بلی، خداوند اعلی می‌فرمایند: "فاستقیموا الخیرات". مردمان زیرک باهوش، بلکه اشخاص خوش‌بخت و اقبال، آن اشخاص می‌باشند که در امورات خیریه که اسباب آسایش و راحت عامه است به یکدیگر سبقت و پیشی می‌گیرند که انسان خودش می‌رود و اسمش در تاریخ روزگار باقی می‌ماند. همیشه تعریف و توصیفش در دهن‌ها مذکور است که این مدرسه یا مرخصخانه یا دارالمعجزة (نوانخانه) یا این قنات را فلان کسی بنا کرده است. در فرنگ رسم است، اشخاصی که در کارهای بزرگ اقدام می‌نمایند، مجسمه آن‌ها را می‌سازند و در نمایشگاه‌ها می‌گذارند برای تماشا و تذکار، این عمل خیرالحق جناب مستطاب اجل، آقای دکتر امیرخان که مجسمه نوع‌پرستی است و در حفظ نفوس و راحت افراد انسان بر همه کس سبقت گرفته است، سابقه امتحانات خود را در اقسام الخیرات و میراث به همه کس نمایش داده‌اند. اولاً در فقره آبله‌کوبی در مرکز و سایر ولایات، بلکه دهات، معتبر از نواقل انجام فرمودند، به‌قدری به عالم انسانیت و حفظ‌الصحه (بهداشت) خدمت نمودند که زبان از شکر این نعمت عاجز است. چقدر از اطفال در سال به واسطه نکوبیدن آبله که در گاهواره قبر، به خواب ابدی می‌رفتند. دیگر احداث مرخصخانه احمدیه که به چه اندازه اسباب صحت و سلامت و آسایش مرخص‌های از پا درآمده و از دست‌رفته است و چقدر به‌درستی و صحت و خوبی اداره شده است، اعضا رییسه و عامله این مرخصخانه از طبیب و جراح دیپلمه و باتجربه اجزا و مرخصخانه همه مردمان نجیب و درست، در نهایت محبت و دلسوزانه خدمت نمایند، این قسمی که این اعضا و اجزا خدمت می‌نمایند در هیچ مرخصخانه در طهران سلوک نمی‌نمایند و الحمدلله همه مرخص‌ها چه طبی و چه جراحی خوب می‌شوند. در این اقدامی که حالیه خیال فرمودند، در تشکیل مرخصخانه و بیمارستان نسوان و اطفال، نیت مقدس است که بهتر از این خیالی نیست، اگر ابنا وطن همت بگمارند، هم اسباب سلامتی و حفظ‌الصحه زنان است و هم اسباب سربلندی و روسفیدی در نزد خارجه؛ آخر شهر شده است که یک مرخصخانه زنانه نداشته باشد؟ هر مملکتی و هر شهری که تمدن و علمش زیاده‌تر است، مرخصخانه‌اش بیشتر است. شهری که مرخصخانه ندارد دلیل است بر عوامی و بی‌علمی اهل مملکت، چه شده است که در فرنگستان این همه مرخصخانه دارند، حتی برای حیوانات و ما باید هیچ مرخصخانه نداشته باشیم، اشتباه نشود این همه مرخصخانه‌ها دولتی نیست نه این که دولت نداشته باشد، مرخصخانه دارد، ولی اغلب مرخصخانه‌ها ملتی است که از اقدام مردمان خیرخواه چه صنف رجال و چه نسا، پول اعانه می‌دهند، چقدر اشخاص وصیت می‌نمایند که فلان مبلغ از مکننت من خرج مرخصخانه نمایند، بعضی اموال خودشان را وقف این عمل خیر می‌نمایند حتی در دهات مرخصخانه دارند. بدبخت ایران و اهل ایران، مردان و زنان همه قسم مخارج بیهوده می‌نمایند و انفاق نمی‌کند که یک مرخصخانه زنان و اطفال تشکیل بدهند، چقدر بی‌حسی می‌خواهد که انسان در کوچه و بازار در مسیر عام عبور می‌کند، می‌بینید زنان دیوانه مجنونه را کاشف‌العوره، مردها و زن‌ها وامی‌ایستند و تماشا

مؤسسات بهداری و صحن مشهد، راهی آن دیار شد. در بازدید از مراکز درمانی، وضع دارالشفای را اسفناک یافت و در بخشی از یادداشت‌های خود ضمن بررسی جامع دارالشفای، درباره اوضاع درمان زنان مطالبی نگاشت.



تصویر ۱) دکتر امیراعلم، رییس مجلس حفظ‌الصحه دولتی، دوره قاجار

پس از آن سفر، دکتر/امیراعلم در صدد تاسیس دارالشفای مجزایی برای زنان و تربیت کادر طبی زنانه برآمد. در این خصوص در نوشته‌های او آمده است:

"برای شعبه زنان در فکر خواستن طبیبه و جراحه و قابله هستم که از نظر معالجات نیز از قسمت مردانه جدا بماند و شاید بتوانیم بدین‌وسيله طبیبه یا لااقل قابله‌های قابله و عالمه تربیت نماییم و از تلفات هولناک زنان بارنهاده، و اطفال نوزاد، حتی‌الامکان جلوگیری کنیم و اگر بخواهیم به‌خاطر آوریم که در مملکت ما صدی، سی‌الی پنجاه از زنان حامله در وقت زایمان، زندگانی را بدرود می‌گویند و اکثر اطفالشان نیز تلف می‌شوند، به‌خوبی معلوم خواهد شد که نظریه اخیر ما تا چه اندازه دارای اهمیت است"^[۷].

دکتر/امیراعلم علاوه بر آنچه که اشاره شد، در نشریات، مقاله‌هایی در موضوع مرخصخانه اختصاصی زنان و کودکان می‌نوشت. از جمله، در نشریه شکوفه که به مدیریت مریم عمید سمنانی (مزمین‌السلطنه) در تهران، به زبان فارسی، با چاپ سنگی، خط نستعلیق، در قطع رحلی و هر شماره در ۴ صفحه چاپ می‌شد، مطلب زیر، این‌گونه درج شده است: "رقعه‌ای است که از طرف قرین‌الشرف حضرت فیلسوف، آقای دکتر/امیرخان دام اقباله، زینت بخش اداره شکوفه گردیده؛" به این شرح:

"البته محتاج به شرح و بیان نیست که در یک شهر بزرگی مثل طهران که تقریباً نفوس آن بالغ بر ۴۰۰۰ نفر است، نبودن یک باب مرخصخانه مخصوص زنان و کودکان به چه درجه مایه تاسف و تأثر است، یقین است که اگر همچو مرخصخانه‌ای تاکنون تاسیس شده بود، بسیاری از زنان فقیر و کودکان فقیر که استطاعت تحصیل دوا و غذا را ندارند معالجه شده و از اتلاف نفوس آنان تا یک متنهی به جلوگیری می‌شد، بدیهی است که یکی از دلایل و موجبات عدم ازدیاد نفوس ایران، نبودن مرخصخانه زنانه است. علی‌هذا برای حصول این مقصود مشروع، این بنده عازم شده که به کمک و مساعدت هموطنان اعزاز، یک‌باب مرخصخانه مخصوص به زنان و

در زمان کابینه سپهسالار تنکابنی و وزارت ممتازالملک، از طرف وزارت معارف، تقاضای واگذاری این عمارت به بیمارستان ارایه شد و به موجب سند مالکیت شماره ۱۲۶۴ که در آن مالکیت ملک، پیش‌تر به دولت متعلق بود به مریض‌خانه نساوان اختصاص یافت^[۱۱]. یک بخش از مریض‌خانه به‌عنوان قسمت مرکزی و قسمت‌های دیگر شامل درمانگاه و داروخانه عمل می‌کردند^[۱۰]. محل این عمارت، از نظر موقعیت جغرافیایی، حوالی دروازه دولت بود^[۱۲]. دکتر/میر/علم پس از فراهم کردن وسایل و تجهیزات در سال ۱۳۳۵ قمری، زمینه تاسیس مریض‌خانه نساوان را فراهم کرد. مرحوم ادیب‌الممالک /فرهانی به مناسبت افتتاح مریض‌خانه نساوان این قطعه را سرود:

شاهی که به عهد داستان است

"درعهد شه زمانه احمد

ممتازالملک را مکان است

عهدی که به مسند معارف

کز کردارش هنر عیان است

با واسطه امیر اعلم

کسایش ملتی در آن است

پرداخته شد چنین بنایی

زین کاخ شفا به رایگان است

اطفال و زنان ملک را

بیمارستان بانوان است"

تاریخ و اساس نامیش

"بیمارستان بانوان است" به حساب جُمْل (ایجد) که به معنی شمارش عددی و حروف الفبا و واژگان است، در مجموع حروف آن، سال تاسیس بیمارستان نساوان یعنی سال ۱۳۳۵ قمری را به‌دست می‌دهد. بدین ترتیب محاسبه می‌کنیم:

ب-ی-م-ا-ر-س

۶-۲۰۰-۱-۴-۱

ت-ا-ن

۵-۱-۴۰۰

ب-ا-ن-و-ا-ن

۵۰-۱-۶-۵۰-۲-۱

ا-س-ت

۴۰۰-۶۰-۱

۱۳۳۵=

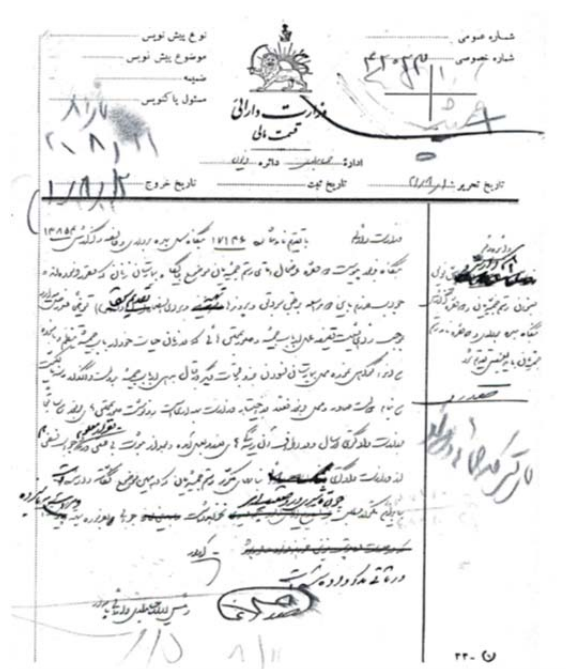
۱۳۳۵ قمری

مریض‌خانه نساوان زیر نظر دکتر علی‌رضا مذهب السلطنه (پسرعموی دکتر حسین احیا السلطنه) ریاست صحنه کل مملکتی وقت، اداره می‌شد. وی در تهران و پاریس تحصیل کرده بود، علاوه بر اداره مریض‌خانه نساوان، بخش کحالی (کحال: چشم پزشک، Ophthalmologist, (Oculist)، پزشکی که چشم را درمان می‌کند). و طبی آن را نیز سرپرستی می‌کرد. در این موقع مادام فراسکینا، دختر مارکار، فارغ‌التحصیل ژنو که در سال ۱۳۳۵ قمری به خدمت دولت درآمده بود و دایه‌خانم و معصومه‌خانم پرستار مریض‌خانه بودند، و با همکاری صمیمانه این چهار نفر مریض‌خانه به‌خوبی اداره می‌شد^[۱۳]. میرزا احمدخان نصیرالدوله (بر) از چهارشنبه ۸ شوال ۱۳۳۶ قمری، ۲۶ سرطان (تیرماه) ۱۲۹۷ شمسی، تا ۸ شوال ۱۳۳۸ قمری، ۴ سرطان (تیرماه) ۱۲۹۹ شمسی)، چهل و سومین وزیر معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه بود. نصیرالدوله اساس دارالمعلمین (دارالمعلمین در سال ۱۲۹۸ شمسی یا در اواخر ۱۲۹۷ در زمان وزارت میرزا احمدخان نصیرالدوله تاسیس شد. محل اولیه آن در خیابان شاه (نادری) اول کوچه نوبهار بود. مدرسه فقط ۲ کلاس داشت: یکی کلاس ابتدایی و دیگری کلاس عالی. مقصود از کلاس ابتدایی کلاسی بود که در آن دروسی برای تربیت معلمین مدارس ابتدایی تدریس می‌شد و کلاس عالی هم برای تربیت معلم برای دبیرستان‌ها بود. بعد از این محل مدرسه به عمارت شرکت فرهنگ واقع در تخت زمرد کوچه سهم/الملک انتقال یافت. این

می‌کنند و بر سر آن می‌گذرند، شب‌ها در کوچه‌ها می‌خوابند و بسا هست که هزار چشم فتح قسم عمل مرتکب می‌شوند، نه از خداوند شرم دارند و نه چون از انظار خارجه خجالت می‌کشند، اگر یک مریض‌خانه زنانه یا یک مریض‌خانه مجانین داشتیم، اقل آن‌ها را می‌توانستیم جمع‌آوری نماییم، به‌علاوه مردمان عالم و زنان علیه می‌دانند که مرض‌های زنانه، به‌واسطه حجب و حیایی که در طینت زنان ایران است خجالت می‌کشند شرح مرض خود را بدهند و برای بعضی ملاحظات که اطبا دارند که نمی‌توانند در تشخیص بکوشند، اغلب مرض زنان ایرانی بی‌تشخیص می‌ماند و سالی چندین هزار زن بدبخت در ایران از شناختن درد، سفر قبرستان می‌نمایند، ولی اگر ماها مریض‌خانه داشته باشیم، اطبای زنانه، پرستاران و اجزا البته هم مرض معین می‌شود، هم معالجه می‌شود، پس باید تشکر و امتنان را از این اقدام جناب دکتر امیرخان داشت و شرکت نمایند به ایشان در این امر خیر. چه از رجال دولت و اینا مملکت و چه از اواسط و چه از خانم‌های محترمه مجله که سعی می‌نمایند و چه اعانه جمع‌آوری می‌نمایند که زودتر اقدام به این امر خیر نمایند. هرکس اگر از ثلث مالش که قسمت دارد به این امر جز خرج نماید، در زندگی بقیناً صوابش بیشتر است. اداره شکوفه از قول همه هموطنان خدمت جناب دکتر در این اقدام تبریک عرض می‌کند^[۸]."

تاسیس مریض‌خانه نساوان

به‌طوری که گفته شد، دکتر/میر/علم در صدد تاسیس مریض‌خانه اختصاصی برای زنان بود، زیرا تا قبل از آن مریض‌خانه‌ای که زنان و کودکان را به‌آسانی بپذیرد، نبود^[۹]. در این شرایط دکتر/میر/علم در ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۴ قمری، لزوم تاسیس مریض‌خانه نساوان را به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خاطر نشان کرد. مرتضی‌خان ممتازالملک، وزیر معارف وقت، پیشنهاد را در هیات دولت مطرح و تقاضا کرد عمارتی به این امر اختصاص یابد^[۱۰]. با تصویب هیات دولت و تلاش/میر/علم، برای بیمارستان یک‌عمارت و قطعه زمینی که در سال‌های پیش جزو رقبات/رباب جمشید بود و در قبال بدهی ایشان به دولت، پس از واگذاری، جز خالصه شده بود و مدتی هم در اجاره غیر بود، به مریض‌خانه اختصاص یافت (تصویر ۲).



تصویر ۲) سند اهدای مریض‌خانه نساوان

همکاری / علم / ملوک، دفتردار مریم‌خانه تهیه و ارسال کرده‌اند. در خلاصه راپورت‌های مهریانو دنبلی در ۶ برج سنبله (شهریور) ۱۳۰۰ شمسی، تعداد مریم‌ها ۴۶ نفر گزارش شده‌اند.



تصویر ۴) مریم‌خانه نساوان، ۱۳۰۰ شمسی

همچنین در این گزارش در اعتراض به رفتار مادموزل دُرمپس نوشته شده است:

"دکتر مریم‌خانه، مادموزل دُرمپس در مریم‌خانه نبود، تقریباً دو ربع ساعت قبل از ظهر آمد. برای تجدید لباس مریم‌خانه داخل اتاق دفتر شده، بدون مقدمه با کمال تغییر و تفرعن پرسیدند کیستی؟ / علم / ملوک معرفی نمودند، تبسم تمسخرآمیزی نموده از اتاق خارج شده، به اتاق مرضا رفتند و بنای مرافعه و قال مقال را گذارده که صدایشان تمام مریم‌خانه را فراگرفته بود و تغییرکنان از این اتاق به آن اتاق می‌رفت، به این واسطه بنده دیگر در مریم‌خانه تحمل نکرده، بدون رسیدگی به جزییات از مریم‌خانه خارج شدم." در گزارش عذرا آقی / اولی در روز پنجشنبه ۴ میزان (مهر) تعداد مریم‌ها ۶ نفر، و دوشنبه ۱۵ عقرب، ۸ مریم بودند که به وضع غذا و آشپزخانه اعتراض داشتند و در ۲۱ عقرب (آبان) هم ۱۰ مریم بودند، در گزارش آقی / اولی آمده است: "دو ساعت بعد از ظهر، وارد مریم‌خانه شدم، آقای مهندس / سلطانه برای معالجه امراض چشم در مریم‌خانه حاضر بودند، ۳ ساعت بعد از ظهر، چون مریم خارج نبود، برای سرکشی به کارهای مریم‌خانه تشریف آوردند، بنده نیز تفتیش شش تخت خواب را نموده، در هر شش تخت، مطابق صورت متن مریم بود و سه و ربع بعد از ظهر، خارج شد." در گزارش مهریانو دنبلی، روز دوشنبه ۶ برج قوس (آذر)، مریم‌خانه بازرسی شده است، در زمان بازرسی مریم‌خانه دارای ۶ بیمار بوده است. در گزارش این روز ایشان قید شده است: "به واسطه نداشتن بخاری از سرما به مرضا سخت می‌گذرد و هنوز ذغال‌سنگ به مریم‌خانه نداده‌اند"^[16].

در گزارش فخرالاشراف که در طی برج قوس (آذر) ۱۳۰۰ شمسی تهیه شده است، تعداد ۱۴ بیمار از مریم‌خانه دولتی نساوان صحت یافته و خارج شده‌اند^[17]. طبق گزارش ۹ جدی (دی) ۱۳۰۰ (مریم‌خانه نساوان دارای ۳ بیمار بوده است و در این ماه ۵ بیمار نیز مرخص شده‌اند)^[18]. در آن موقع عده زنان باردار که برای وضع حمل به بیمارستان مراجعه می‌کردند بسیار معدود و اندک بود و فقط گاهی در موارد زایمان غیرطبیعی ناگزیر زانو را به بیمارستان می‌بردند و با این حال هر ۱۵ تا ۲۰ روز فقط یک زایمان انجام می‌شد^[19].

مدرسه بر تشکیلات مدرسه فزانکوپرسان دختران بنا نهاده شد و ریاست دارالمعلمین با / ابو الحسن فروغی و نظامت آن با / اسماعیل مرآت بود. فروغی قریب ۱۰ سال از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۷ شمسی مدرسه را اداره کرد^[14]. این مدرسه را مودب / ملک در سال ۱۳۳۳ قمری دایر کرده بود، و علاوه بر دوره کامل ابتدایی، سه کلاس متوسطه داشت و شاگردان مستعد پس از پایان دوره ابتدایی، تحصیلات خود را در این کلاس‌ها ادامه می‌دادند. نصیرالدوله، وزیر معارف، به منظور تربیت و پرورش معلمان زن، این مدرسه را به دارالمعلمیات تبدیل کرد و دستور داد ۲ نفر از شاگردان هفته‌ای ۳ روز برای فراگرفتن دروس مربوط به بیماری‌های زنان و فن قابلگی به بیمارستان نساوان بروند^[13]. در آن زمان پزشکان مرد از معاینه کردن زنان منع می‌شدند، گرچه در این مورد زهرخانم شیدانی و دکتر رفیعه خانم (امین) هم در مریم‌خانه بودند^[15]. به همین دلیل، دکتر / امیر علم چند نفر طبیبه متخصص و معروف مریم‌خانه نساوان، اطبای فرنگی از جمله مادم / فراسکینا و بعدتر مادم / دُرمپس فرانسوی را استخدام کرد. دکتر ماتیلد دُرمپس پزشک و دانشجوی سابق مدرسه زبان‌های شرقی بود، او در مورد فعالیتش در ایران می‌نویسد: "هنگامی که من وارد ایران شدم، دولت وثوق‌الدوله بر مصدر قدرت بود و بیشتر ابراز علاقه به استخدام کارمندان خارجی از خود نشان می‌داد تا دولت‌های ملی‌گرایی که بعد از آن زمام امر را در دست گرفتند"^[15].

دکتر پن و دکتر سرکسیان که در قابلگی و بیماری‌های زنان تخصص داشتند به ایران دعوت شدند و با استخدام در مریم‌خانه نساوان، به کار مشغول شدند^[13]. به این طریق، بنیان بیمارستان نساوان گذاشته شد (تصویر ۳).



تصویر ۳) مراسم افتتاح مریم‌خانه نساوان، دوره قاجاریه

از بدو تاسیس مریم‌خانه نساوان برای تفتیش احوال مریم‌ها و اوضاع مریم‌خانه، مفتشه‌ای از وزارت معارف، مامور تهیه گزارش می‌شد تا این که از برج جدی (دی) سال ۱۲۹۹ شمسی، مریم‌خانه به حالت تعطیل درآمد و مجدداً به همت رئیس‌الوزرا افتتاح شد (تصویر ۴) و مفتشه‌ها هر ماه ۲ بار برای تهیه گزارش به مریم‌خانه مراجعه می‌کردند و محتویات فرمی که شامل ردیف، اسم مریم، نام پدر مریم، تشخیص مرض، نمره تخت‌خواب، تاریخ ورود، تاریخ خروج، ملاحظات و معرف بود را تکمیل می‌کردند و این فرم‌ها به اداره تفتیش کل وزارت معارف ارسال می‌شد. گویا وزارت معارف در این برهه، ۳ مفتش داشته است و کلیه این گزارش‌ها را مهریانو دنبلی سپاهی، عذرا آقی / اولی و فخرالاشراف و معمولاً با

تجهیزکردن مریض‌خانه نسوان

برای تجهیز و تامین داروی مورد نیاز مریض‌خانه، هیات وزرا در جلسه ۷ مرداد (سرطان) ۱۳۰۳ تصویب کردند تا بعضی لوازم و تجهیزات جراحی متعلق به مریض‌خانه نسوان را که دکتر درمپس، طبیبه مریض‌خانه در بازگشت از فرنگ (پاریس) و از راه بیروت و بغداد با خود وارد می‌کند، به علاوه لباس‌ها و ملزومات شخصی او از تادیه حقوق گمرکی معاف باشد^[18]. تامین بودجه مریض‌خانه براساس بودجه مریض‌خانه در سال ۱۳۳۶ قمری، ۱۴۲۳۲ اقران و ۵۵۰ دینار بود که صرف حقوق و دستمزد کارکنان و قسمتی هم مصرف کارهای بنایی شد (تصویر ۵).



تصویر ۵) سند تامین اعتبار مریض‌خانه نسوان توسط وثوق‌الدوله (رییس الوزرا)

نسوان و کودکان برگزار می‌شد تا از محل فروش بلیط سروسامانی به بودجه مریض‌خانه داده شود^[20]. برای آشنایی بیشتر از کم و کیف تامین کادر درمانی و بودجه مریض‌خانه دو سند ذیل قابل توجه است:

"(به تاریخ) ۲ برج دلو لویی بیل، ۱۳۳۵ قمری، ۱۲۹۵ شمسی مبلغ ۳۳۷۵ تومان حقوق یک نفر معلم طبیب فرنگی در جزو بودجه هذه السنه، لویی بیل، وزارت معارف منظور در اول سال هذه السنه برحسب پیشنهاد آن وزارت جلیله و تصویب هیات وزرا اعظام مقرر شد، نصف از مبلغ مزبور که بالغ به مبلغ یک‌هزار و سیصد و هفت تومان و پنج‌هزار می‌شود، برای یک نفر قابله و چهار نفر پرستار تخصیص شود. در تاریخ ۱۱ برج اسد، درخواست مبلغ مذکوره صادر و به کمیسیون تطبیق حوالجات ارسال شد. کمیسیون مبلغ هشتصد و چهل و سه تومان و هشت‌هزار و پانصد دینار آن را که از بابت شش‌ماهه اول سال بود تصدیق و بقیه را که مبلغ ۸۴۳ تومان و مقدار تصفیه را مطابق شرحی که در ورقه درخواست اشعار داشته‌اند، در آخر سال تصدیق خواهند نمود. چون دو ماه بیشتر به آخر سال نمانده [است] و به‌طوری که کمیسیون اشعار داشته، بقیه را در موقع که آخر سال باشد، تصدیق خواهند نمود. چنانچه اجازه می‌فرمایند حواله مبلغ بقیه، صادر در وجه آن تادیه شود و تا در آخر سال، ورقه درخواست برای تصدیق به کمیسیون ارسال شود. منوط به امر است.

[حاشیه:] اینجا تصریح نشده است که شش‌ماهه اول پرداخته شده است یا خیر و آیا مبلغی که باید فعلاً تا آخر هذه السنه حواله شود چه میزان است؟ [امضا] ۹۵/۱۱/۴

-حقوق یک نفر قابله و چهار نفر پرستار از بابت هذه السنه لویی بیل ۱۶۸۷/۵ تومان از وزارت معارف درخواست صادر شده، شش‌ماهه اول که به تصدیق شده و مبلغ آن ۸۴۳/۷۵ تومان است، چنانچه اجازه فرمایند حواله شود. شش ماه دوم هذه السنه پس از تصدیق کسب تکلیف می‌شود.

-شش‌ماهه اول هذه السنه حواله شود. وزارت معارف و اوقاف، اداره محاسبات، دایره مراسلات، نمره ۶۷۳۴ [21]."

"تاریخ ۲۷ برج جدی لویی بیل ۱۳۳۵ قمری وزارت جلیله مالیه، برطبق بودجه مصوبه وزارت معارف، حقوق یک نفر معلم طب فرنگی که مبلغ آن ۳۳۷۵ تومان است برای دو نفر قابله تخصیص شده. وزارت معارف برحسب پیشنهاد آقای/میراعلم نصف مبلغ مزبور را عجلتاً برای یک نفر قابله و چهار نفر پرستار تصویب کرده و ورقه درخواست، به نمره ۶۵ در تاریخ ۱۱ اسد لویی بیل فرستاده است، متأسفانه وجه آن حواله نشده، اینک که از مقام منبع ریاست وزرا عظام، شرحی به آن وزارتخانه مرقوم شده، بدان وسیله زحمت داده و خواهش می‌کنم فوراً حواله مزبور فرستاده شود تا کار مریض‌خانه به انجام رسد [امضا] مرتضی ممتازالملک [مهر]."

وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، ریاست وزرا، نمره ۳۷۳۳، تاریخ ۱۳ برج جدی ۱۳۳۵ قمری وزارت جلیله مالیه، حقوق طبیبه و پرستارهای مریض‌خانه نسوان را موافق تصویری که شده است قدغن نمایید، زودتر تادیه و پرداخت و وسایل آسایش آنها را فراهم نمایند.

[مهر] ریاست وزرا

[امضا] حسن وثوق‌الدوله.

[حاشیه:] اداره محاسبات اطلاعات خود را مرقوم دارند.

۹۵/۱/۱۱ به عرض رسد^[21] (تصویر ۵).

بدین ترتیب از بابت مواجب ۵ ماهه: حسن‌خان خواجه، ۴۲۵ اقران، باغبان، مخارج متفرقه ۸۴۲ اقران؛ مواجب ۶ ماهه دایه‌خانم پرستار ۵۱۶ اقران، طلب ۵ ماهه ماد/م فراسکینا، طبیبه ۵۶۰ اقران، قسط آب مریض‌خانه ۵۰۰ اقران، حقوق ۴ ماهه میرزا علی‌خان ناظر ۴۰۰ اقران، بنایی مریض‌خانه ۲۸۳۰ اقران، قیمت دوا (دارو) ۳۲ اقران، قیمت ملزومات ۷۲ اقران و ۵ دینار، بابت قسط آب مریض‌خانه ۶۰۰ اقران، حقوق ۵ ماهه دکتر مذهب/السلطنه ۱۰۰۰ اقران، بابت پاک‌کردن آب‌انبار و حوض ۴۰ اقران، بابت قیمت گچ، آجر و آهک ۹۲ اقران و از بابت قیمت اجناس و اشیایی که خریداری شده است، ۱۳۲۴ اقران و ۵۰ دینار، پرداخت شده است^[18]. مریض‌خانه گاهی به سبب کمبود بودجه و پراختن نشدن حقوق کارکنان موقعیت وخیمی پیدا می‌کرد، به‌طوری که در سال ۱۳۰۱ شمسی، هیات وزرا تصویب کرد بودجه ماهیانه ۳ بیمارستان دولتی، وزیری و نسوان را از تیرماه به بعد، از عواید گمرکی پرداخته کنند^[19]. با این اوضاع، گرچه تا اندازه‌ای مشکلات بودجه بیمارستان تامین می‌شد ولی کفایت نمی‌کرد، به همین سبب در سال‌های بعد برنامه شب‌نشینی به نفع مریض‌خانه

و به او رجوع کرده‌اید، لازم است به خانم دانشور (زینت دانشور از شاگردان ممتاز مدرسه قابلیگی بوده است و در ۲۴ جدی (دی) ۱۳۰۳ شمسی برحسب تقاضای دکتر/میر/علم، کفیل مرخصخانه نسون برای ایشان و از طرف دکتر درمپس برای رعناخانم انترن مرخصخانه نسون، تقاضای مدال درجه دوم علمی شد^[25]) مراجعه دهید، بنده از نقطه نظر آن که خودم طبیب و دکتر بودم به ایشان نصیحت کردم که آقای دکتر معاون تحصیل کرده اروپا و در قسمت معالجات و امراض رحم و نسون تخصص دارد و بدین [خاطر] صحنه کل او را برای این خدمت تعیین نموده و با کمال امانت و دیانت کار می‌کنند. صلاح شما این است که به خود او مراجعه کنید که مریضه شما را تشخیص مرض بدهد و زود معالجه کند، بالاخره اظهار کردند که ایشان مرد هستند، برای این کار خوب نمی‌باشند. جواب گفته شد، چون طبیب است اشخاص تحصیل کرده این قدر به این موضوع اهمیت نمی‌دهند، معذالک چون به ارجاع به خانم دانشور مایل بود از همان قرار رفتار شد و مریضه مجدداً با توصیه لازم به خانم دانشور مراجعه شد^[26].

وضعیت بیمارستان نسون، امراض، تلفات کودکان، دواسازی و قابله‌ها، پرستاران و غیره

دکتر ژنرال کلونیه رییس کل صحنه مملکتی، در سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ شمسی مامور شد برنامه عملی ۳ ساله برای اصلاحات صحنه مملکت طرح و پیشنهاد کند، او گزارش مفصلی در ۱۴ قسمت تدوین کرد که در این مقاله صرفاً مطالبی که در حوزه بیماری‌های مقاربتی، زنان، کودکان و یا مرتبط با مرخصخانه نسون است، بازنویسی و ارایه می‌شود و کل گزارش‌های ۲ ساله را به مجال و مقالی دیگر وامی‌گذاریم، در رابطه با آنچه که گفتیم دکتر کلونیه می‌نویسد: "امراض مقاربتی: عموم اطباء طهران و ولایات بالاتفاق کثرت امراض و کثرت عده فواحش را تصدیق دارند طریقه جلوگیری از این امراض عبارتند از: ۱- اقدامات ضد عفونی انفرادی، ۲- اقدامات و تدابیر اجتماعی از قبیل تاسیس مراکز معالجه، تنظیم امر فحشا، معاینه متناوب بعضی از جوانان، ۳- تعلیم و آگاهی عموم به تبلیغات لازم، ۴- بنابراین باید بدو در طهران و بعد در ولایات، اقداماتی را که اخیراً کمیسیون حفظ‌الصحه پایتخت پیشنهاد کرده است عملی نمود؛ خلاصه پیشنهادات مزبور از این قرار است: تنظیم امر فواحش، معاینه منظم فواحش، تجزی و معالجه فواحش مریض در مرخصخانه تا رفع مرض آنها، معاینه صحنه متناوب بعضی از جوانان، تسهیل وسایل مراجعه به طبیب و معالجه امراض مقاربتی، دادن نصایح و دستورهای حفظ‌الصحه به مردم. تلفات کودکان: میزان نسبت تلفات را جز به وسیله تهیه احصاییه‌های (آمار) کافی نمی‌توان تعیین نمود. علل تلفات اطفال نیز بنا به آنچه در ضمن تفتیشات خود مشاهده نمودم درست معلوم و معین نیست. علی‌التحقیق، علل تلفات اطفال در هر نقطه با نقطه دیگر اختلاف دارد و وابسته به چهل و فقر مادران، کافی نبودن تغذیه مادران بر اثر فقر، امراض بومی، محلی (مالاریا) و بسط و توسعه امراض اجتماعی (سل و سیفلیس) می‌باشد. تلفات اطفال بیشتر به قی و اسهال اطفال نسبت داده می‌شود. مبارزه با تلفات اطفال که توسط موسسه قابل تحسین شیر و خورشید سرخ به طرز رضایت‌بخشی شروع شده باید به وسیله حفظ و حمایت نسون در دوره حاملگی و بعد از وضع حمل و تاسیس مطب‌های مخصوص مراجعه زنان حامله قبل از وضع حمل و معاینه و معالجه اطفال شیرخوار در موسسات صحنه عمومی دولتی یا غیردولتی توسعه یابد.

بررسی وضعیت مرخصخانه نسون در گزارش گیل‌مور

دکتر جان گیل‌مور در سال ۱۳۰۳ شمسی از طرف کمیته صحنه جامعه ملل (سازمان بهداشتی جامعه ملل) و به درخواست دولت علیه ایران برای تهیه گزارشی از اوضاع بهداشتی، عازم ایران شد. هدف از این ماموریت بررسی شیوع مالاریا و بروز بیماری‌های همه‌گیر بود. این بررسی‌ها از خرداد تا شهریور ۱۳۰۳ شمسی (سپتامبر تا جون ۱۹۲۴ میلادی) به درازا کشید. دکتر گیل‌مور با تلاش‌های زیاد توانست گزارش جالبی از اوضاع بهداشتی سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ شمسی گردآوری و تدوین کند، او این گزارش را در سال ۱۳۰۴ شمسی ۱۹۲۵ میلادی، به سازمان جامعه ملل ارایه نمود.

دکتر گیل‌مور درخصوص مرخصخانه زنان می‌نویسد:

"مرخصخانه کوچکی است که دارای ۲۰ تخت‌خواب می‌باشد. این مرخصخانه در زمین بزرگی در شمال شهر تهران قرار دارد (هیأت وزرا در جلسه نوزدهم آبان ۱۳۱۳ تصویب نمود که سیصد و سی و هفت ذرع زمین که اگرچه معمار مخصوص برای اصلاح قناسی باغ مرخصخانه نسون که متعلق به دولت است، مجاناً و بلاعوض به صحنه کل واگذار کند^[22]".

"این مرخصخانه، سه سال قبل به وجود آمده و به‌عنوان مدرسه طب زنان نیز مورد استفاده است. بیشتر افراد مرخصخانه را موارد امراض مقاربتی و زنان (غیر از امراض زنانه بخش‌های دیگری هم فعالیت داشتند به‌طوری که در یکی از اسناد تصویب شده است که مبلغ ۳۰۰ ریال از اعتبارات دولت به‌طور انعام به دکتر حسن ریاض، دندان‌ساز مرخصخانه نسون داده شود^[23]). تشکیل می‌دهند. بخش سرپایی مرخصخانه نیز شلوغ است. تعداد مرضایی که از فروردین ۱۳۰۲ تا فروردین ۱۳۰۳ شمسی در این محل بستری شده‌اند، ۱۰۷ نفر بوده که ۲۰ نفرشان تب نوبه داشته‌اند. تعداد افراد سرپایی ۱۳۴۲ نفر بوده که ۱۹۲ نفرشان تب نوبه داشته‌اند. تعداد تلفات زنان در تهران، از فروردین ۱۳۰۱ شمسی تا فروردین ۱۳۰۲ شمسی، مرده‌زایی (مولود مرده) و سقط ۲۱۵ [مورد]، سیفلیس ۵۰، زایمان سر زارفتن ۳۰، تب زایمان ۹ و امراض جنسی یک نفر و از فروردین ۱۳۰۲ تا فروردین ۱۳۰۳ شمسی، مرده‌زایی و سقط ۲۳۴، سیفلیس ۴۱، زایمان سر زارفتن ۳۲، تب زایمان ۷ نفر بوده است^[24]".

ریاست بیمارستان از بدو تاسیس تا سال ۱۳۰۵ شمسی به عهده علی‌رضا بهرامی (مهدب/السلطنه) بود و به تدریج قسمت‌های طبی، جراحی، قابلیگی، کحالی و مطب عمومی اضافه شدند^[10]. بعدتر طبق اسناد موجود از ۹ سنبله (شهریور) بیماری‌های اطفال نیز در آن دایر شد و مرخصخانه به‌طور رسمی با نام "مرخصخانه نسون و اطفال" ادامه فعالیت داد^[16]. قسمت جراحی مرخصخانه که شامل عملیات مربوط به زایمان‌های غیرطبیعی می‌شد، توسط دکتر/لقمان/الملک اداره می‌شد، قسمت قابلیگی و مطب عمومی توسط مادموزل/درمپس و قسمت کحالی توسط دکتر مهدب/السلطنه، قسمت کحالی بیمارستان پس از پایان ریاست دکتر مهدب/السلطنه منحل شد. مدتی دکتر ابوالقاسم بهرامی کفالت مرخصخانه و دکتر علیم/الملک فرهمندی ریاست قسمت فنی مرخصخانه را عهده‌دار بودند. بعدتر دکتر معاون و دکتر بختیار عهده‌دار این سمت شدند^[10].

از شکایت فردی به نام رجبعلی نوخندانی، به تاریخ ۹ فروردین ۱۳۱۰ شمسی از عملکرد دکتر معاون نوشته‌ای به جامانده است و پس از آن تاریخ هم، جوابیه دکتر محمد موتمن در نوشته‌ای آمده است. "این شخص به کابینه صحنه آمد و اظهار می‌کرد که دکتر معاون، دکتر مرخصخانه نسون، خوب طبیبی نیست که مریضه مرا به آنجا

دواساز و قابله: دواسازان و قابله‌های دیپلمه طهران، مایل به ترک پایتخت و رفتن به ولایات نیستند در صورتی که در ولایات دواساز و قابله دولتی یا آزاد یافت نمی‌شود.

بنابراین در ولایات در تهیه نسخه‌های دوا چندان مراقبتی نمی‌شود و وضع حمل زنان حامله به دست ماماها ناشی است که از قواعد پاکیزگی و ضدعفونی عاری‌اند و بدین‌صورت برای حوادث وضع حمل و عوارض ناشیه از آن زیاد دیده می‌شود. تجربیاتی که برای آموختن اصول اولیه نظافت به آنها به عمل آمده، ظاهراً نتایج محسوسی نداده است؛ بنابراین فعلاً [تا] موقعی قابله‌های دیپلمه به عده زیاد تهیه و حاضر به رفتن ولایات شوند باید برای زنانی که تجربیات قابلی دارند، به وسیله همکاری با اطبا و وسایل، کسب اطلاعاتی تهیه نمود که موفق شوند اجازه قابلی به‌عنوان قابله مجاز تحصیل نمایند و با آن اجازه، فقط در ولایات به عمل قابلی مبادرت کنند. امتحانات قابله‌های مجاز را که بالطبع اجباری خواهد بود، باید برای زنانی نیز که در یکی از زایشگاه‌ها یا مریض‌خانه‌های نسوان دولتی یا غیردولتی مراکز ایالات در مدت دو سال عملاً کار کرده باشند، بسط داد تا اگر پس از ختم دوره دو ساله استاد خود در مریض‌خانه یا زایشگاه از عهده امتحان برآیند، جواز به آنها داده شود. این قابله‌های مجاز فقط حق خواهند داشت در آن ایالتی که دوره استاژ (دوره خدمتی که داوطلبان کاری برای فراگرفتن آن کار باید بگذرانند؛ کارآموزی) خود را گذرانده‌اند با حسب ضروریات محلی در ایالات مجاور آن مبادرت به شغل قابلی کنند.

پرستار مرد و زن: پرستاران زن و مرد به‌طور عموم، اطلاعات و تجربیات کافی، هیچکدام را ندارند و این مساله جای تعجب نیست، زیرا فاقد معلومات مقدماتی لازمه هستند. با تاسیس مریض‌خانه جدیدی که دارای لوازم صحیح و تشکیلات منظم باشد وسیله تعلیم شاگردان پرستار مرد و زن، تحت شرایط رضایت‌بخش تهیه خواهد شد.

پرستاران مامور معاینه مرضی: چنانچه پنج شش نفر دختر از خانواده‌های صحیح که دارای معلومات عمومی کافی باشند به اروپا بروند و به وظایف پرستاران مامور معاینه مرضی در منازل آنها که دارای وظیفه اجتماعی و صحتی مهمی هستند آشنا شوند کار بسیار مفیدی خواهد بود. دختران مزبور پس از مراجعت به ایران معلمه پرستاران دیگر خواهند شد.

مؤسسات صحتی، مریض‌خانه‌های طهران: در طهران صرف نظر از مریض‌خانه قشونی ۲۰۰ تخت‌خوابی، سه مریض‌خانه دولتی که جمعا ۱۲۵ تخت‌خواب دارند و یک مریض‌خانه بلدی ۵۰ تخت‌خوابی و سه مریض‌خانه نظمیه که جمعاً ۵۰ تخت‌خواب دارند موجود است. مریض‌خانه‌های مزبور مطب‌های عمومی مجانی نیز دارند. علاوه بر این مریض‌خانه‌های آمریکایی ۵۰ [تخت‌خواب] و یک‌باب مریض‌خانه شوروی ۴۰ تخت‌خواب برای مرضای مجانی موجود است که آنها نیز مطب‌های عمومی مجانی و پولی دارند. بالاخره سه مریض‌خانه کوچک شخصی برای مرضای غیرمجانای موجود است که تحت ریاست اطبای ایرانی اداره می‌شوند و جمعاً ۵۰ تخت‌خواب دارند. تعداد تخت‌خواب‌های موجوده در طهران، چه در مریض‌خانه‌های دولتی و یا غیردولتی، و چه در مریض‌خانه‌های کوچک شخصی برای اهالی طهران کافی نیست؛ خاصه آن که عده [ای] از مرضای ولایات به طهران می‌آیند و به مرضای شهر طهران اضافه می‌شوند، چون در اینجا فقط صحبت از مریض‌خانه‌ای دولتی است، باید دانست که خرج اداره کردن مریض‌خانه‌ها زیاد و استفاده حاصله از آنها کم است؛ زیرا کثیری اعضا در مؤسسات مزبور که گنجایش محدودی دارند حقوق می‌گیرند. بنابراین لازم

می‌دانم مجدداً در باب ضرورت و فوریت ساختمان مریض‌خانه منظم و مرتبی در طهران با لوازم و اثاثیه کاملی، بر طبق اصول جدیده تاکید نمایم. مریض‌خانه مزبور باید طوری باشد که از حیث معالجه مرضای مجانی و غیرمجانای شهر و بعضی مرضای وارده از ولایات و از حیث تعلیم محصلین طب و دواسازی و تعلیم قابله‌ها و پرستاران زن و مرد و احتیاجات مربوطه را رفع کند. این مریض‌خانه قسمت‌ها و عمارات مخصوصی برای مطب‌های عمومی طب و جراحی و شعب تخصص طب خواهد داشت. در اینجا پیشنهاداتی را که در ۵ فروردین ۱۳۱۱ تقدیم داشته‌ام تجدید می‌نمایم:

پیشنهاد اول: ساختمان یک مریض‌خانه ۱۰۰۰ تخت‌خوابی به طور کامل مطابق پیشنهادی که پروفیسور تولمر در سال ۱۹۲۸ میلادی نموده است.

پیشنهاد دوم: ساختمان همان مریض‌خانه ۱۰۰۰ تخت‌خوابی به‌طور تدریج در ظرف شش سال، یعنی دو سال برای قسمت اول و چهار سال برای سایر قسمت‌ها.

پیشنهاد سوم: ساختمان یک مریض‌خانه ۳۵۰ الی ۳۷۵ تخت‌خوابی در ظرف دو سال، چنان‌که سابقاً هم معروض داشت [م] اینجانب پیشنهاد اخیر را ترجیح می‌دهم. مریض‌خانه مزبور و علاوه بر مطب‌های عمومی مشتمل بر عمارات برای قسمت طب و قسمت جراحی، و رشته‌های تخصص در وسط و قسمت‌های مجزایی برای زایشگاه و امراض عفونی در طرفین خواهد بود به علاوه کلیه ملحقیات و منظمات لازمه مریض‌خانه را خواهد داشت.

مریض‌خانه اطفال: طهران فعلاً دارای یک دارالرضاعه (شیرخوارگاه) ۴۰ تخت‌خوابی است، بنابراین باید مریض‌خانه مخصوصی مطابق اصول جدیده برای اطفال پیش‌بینی نمود، این مریض‌خانه به واسطه کثرت امراض عفونی در میان اطفال، باید دارای تشکیلات خاصی باشد. جمعیت شیر و خورشید سرخ خیال دارد در نزدیکی پایتخت موسسه‌ای برای این منظور تاسیس نماید، چنانچه این خیال انجام شود، ساختمان مریض‌خانه دیگری زاید خواهد بود.

مریض‌خانه امراض مقاربتی: خوب است مبتلایان امراض مقاربتی که وضعیت مرضشان خوابیدن در مریض‌خانه را الزام می‌کند، در مریض‌خانه مخصوصی که دارای نظام‌نامه‌های دقیق‌تر و سخت‌تر باشد، تحت معالجه و مداوا قرارگیرند. موسسه جلوگیری از امراض مقاربتی در قسمت مریض‌خانه‌ها لزوم تاسیس مریض‌خانه مخصوص برای مبتلایان امراض مقاربتی که احتیاج به خوابیدن در مریض‌خانه داشته باشد، ذکر شد. ولی توسعه مرض سیفلیس و سایر امراض مقاربتی در ایران، تاسیس یک موسسه مخصوصی را برای جلوگیری از امراض مقاربتی به وسیله اجرای ظرفیه سیفلیس‌شناسی دکتر ورن ايجاب می‌نماید. اساس طریقه دکتر ورن بر روی یک نوع عکس‌العمل سیلان مایع است که خیلی سهل و آسان و به وسیله اسباب ساده انجام می‌گیرد. شدت و ضعف سیلان سرم خون یا مایع نخاع، شوکی که به وسیله مقیاس مخصوص تعیین می‌شود، وسیله تشخیص مرض و اساس طریقه علاج و راهنمای معالجه قرار می‌گیرد. این طریقه حاوی شرایط لازمه برای عملی ساختن جلوگیری از سیفلیس به وسیله معالجه می‌باشد و نتایج قابل توجهی می‌دهد. موسسه جلوگیری از امراض مقاربتی که در پاریس تحت نظر دکتر ورن اداره می‌شود، در سال ۱۹۱۶ میلادی فایده عمومی آن در فرانسه رسماً تصدیق شده و حالیه در تمام عالم شعب زیادی دایر کرده است. موسسه جلوگیری از امراض مقاربتی که در طهران تشکیل شود بر معالجه سیفلیس به معالجه سایر امراض مقاربتی نیز خواهد پرداخت. موسسه مزبور

خیابان کاخ (خیابان فلسطین کنونی) مطب داشت با دکتر صالح شریک شد و این دو پزشک با هم شروع به کار کردند تا اینکه پس از مدت کوتاهی، دکتر صالح مورد توجه بیماران قرار گرفت و این امر موجب عداوت میان ایشان شد و دکتر ابوالقاسم بختیار به علت خوی ایلپاتی و کبر سن از دانشکده پزشکی قهر کرد و عازم آبادان شد، در نتیجه دکتر صالح هم در تشکیلات نوین دانشکده پزشکی یکه‌تاز میدان شد^[32]. بدین‌ترتیب دکتر صالح با رتبه دانشیاری در دانشکده پزشکی بر کرسی استادی بیماری‌های زنان به‌ویژه جنین‌شناسی تکیه زد و تا مدتی ریاست بیمارستان وزیری، ریاست بخش جراحی بیمارستان زنان و ریاست آموزشگاه مامایی را عهده دار بود. در سال ۱۳۱۷ شمسی دکتر غلامحسین مصدق، عهده‌دار ریاست مدرسه قابلیت شد^[33]. سپس‌تر به خاطر فعالیت‌های دکتر جهان‌شاه صالح در بیمارستان زنان، قرار شد از خدمات ایشان تجلیل شود، به همین سبب، مرخص خانه نسوان را به نام "بیمارستان جهان‌شاه صالح" نامیدند^[31]. بیمارستان که پیش‌تر در پیچ شمیران بود، با تغییر نام، محل آن نیز تغییر کرد و به محل "بیمارستان شوری" سابق منتقل شد. عاقبت پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این بیمارستان با نام "بیمارستان میرزا کوچک‌خان" به عنوان یک مرکز آموزشی-درمانی تخصصی زنان و زایمان به فعالیت پرداخت^[9]. علاوه بر این بیمارستان، بیمارستان‌های دیگر هم اندک اندک دارای بخش زنان و زایمان شدند، مانند بیمارستان شاه‌رضا (بیمارستان امام رضا در مشهد)، بیمارستان آریا در سال ۱۳۴۸ شمسی، بیمارستان علوی اردبیل از سال ۱۳۵۴ شمسی، تا اینکه به تدریج بیمارستان‌های مطرح، اغلب دارای بخش زنان و زایمان شدند.

نتیجه‌گیری

تا حدود سال ۱۲۹۵ شمسی، یعنی پیش از دایرشدن "مرخص خانه نسوان" در تهران، هیچ مرکز درمانی ویژه زنان در ایران بنا نشده بود. در آن روزگار به دلیل آمار فزاینده مرگ‌ومیر زنان، به‌خصوص هنگام زایمان، دکتر امیرعلم ضرورت تأسیس مرخص خانه مختص زنان را به دولت وقت (کابینه سپهسالار تنکابنی و وزارت مرتضی قلی‌خان ممتازالملک) گوشزد کرد. با تصویب هیات دولت، عمارت و اراضی خالصه به این مرخص خانه اهدا شد و با تأمین اعتبار، تجهیزات و استخدام کادر درمانی از میان تحصیلکرده‌های خانم مادام فراسکینا، دکتر ماتیلد درمپس، دکتر پن، زینت دانشور و دکتر سرکیسیان، فعالیت خود را آغاز کردند. این مرخص خانه نخستین مرخص خانه اختصاصی زنان در تهران است و تا به حال کتاب و مقاله مستقلی درباره تاریخچه آن نگاشته نشده بود، این اثر نخستین مقاله برای نخستین مرخص خانه نسوان است که با استفاده از اسناد آرشیوی و نشریه‌های عصر قاجار تدوین شد.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: علی کریمیان (نویسنده اول)، همه موارد مربوط به مقاله توسط ایشان انجام شده است (۱۰۰٪).

منابع مالی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

منابع

1- Tehran University of Medical Sciences. Analytical report of 4 year performance: on the occasion of the 70th

ممکن است تحت ریاست یک نفر از اطبای جوان ایرانی که در فرانسه مشغول تحصیل‌اند قرار گیرد مشروط بر این که طبیب مزبور در امراض مقاربتی تخصص حاصل نماید و به وسیله یک دوره استاژ کافی در اجرای طریقه دکتر ورن مهارت پیدا کند.

زایشگاه: تخت‌خواب‌هایی که در مرخص خانه‌های دولتی برای وضع حمل زنان تخصیص داده شده فعلاً از ۳۰ تخت‌خواب تجاوز نمی‌نماید. لذا در مرخص خانه جدید التاسیس یک قسمت مخصوص برای زایشگاه زنان در نظر گرفته شده است^[27].

دکتر کولونیه گزارش مفصل دیگری در اسفندماه سال ۱۳۱۲ شمسی از وضعیت صحیه مملکت تهیه و به رییس/لوزر (نخست وزیر) ارائه نمود، او در این گزارش درباره مرخص خانه نسوان می‌نویسد:

"در مرخص خانه نسوان که گنجایش آن در سال ۱۳۱۲ در عوض ۳۰ بستر بالغ می‌شود، یک نفر پیشخدمت و مخارج غذای چهار نفر محصله کشیک (محصله قابلیت) اضافه شده است و برای تعمیر ساختمان، دیوار شرقی باغ که بر اثر توسعه خیابان از طرف بلدیة (شهرداری) خراب می‌شود و به‌علاوه تعمیرات متفرقه، پیش‌بینی ۱۵۰۰۰ ریال و برای عمارت جدید التاسیس مرخص خانه نسوان تقاضای ۲۲۰۰۰ ریال اضافه اعتبار کرده است."

کل بودجه صحیه کل مملکتی در سال ۱۳۱۱ شمسی ۶۹۵۴۸۸۰ ریال و در سال ۱۳۱۲ شمسی ۱۶۳۹۱۱۴۰ ریال بود^[28]. اضافه بودجه پیشنهادی برای سال ۱۳۱۲ نسبت به سال قبل ۹۴۳۶۶۰ ریال بود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۰۳۰۰۴، پاکت ۶۴۴۳) تا سال ۱۳۱۳ امور فنی علمی و اداری موسسات آموزش عالی تحت نظر وزارت معارف قرار داشت، ولی با ایجاد سیاست تمرکز موسسات آموزش عالی، مجلس شورای ملی، اساس‌نامه تأسیس دانشگاه تهران را تصویب کرد و عملاً دانشگاه تهران با شش دانشکده (پزشکی، حقوق و علوم سیاسی، علوم، ادبیات، فنی و معقول) راه اندازی شد^[1]. پس از استخدام رییس جدید دانشکده و بیمارستان‌ها و بررسی و دریافتن نقایص کار و رعایت نیازمندی‌های کشور در تجدید سازمان آموزش پزشکی اقداماتی به‌عمل آمد که از آن جمله پیوستن بیمارستان‌های تهران به دانشکده پزشکی بود، و به این منظور به وسیله قانون مواد اصلاحی قانون تأسیس دانشگاه راجع به دانشکده پزشکی تصویب شد و از اول مهر ۱۳۱۹ شمسی عملی شد. به موجب این قانون از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۱۹ شمسی بیمارستان‌های تهران ضمیمه دانشکده پزشکی شدند^[29] از جمله بیمارستان نسوان نیز که تا سال ۱۳۱۹ شمسی یکی از موسسات تابعه صحیه کل مملکتی و سپس وزارت معارف بود، به دانشکده پزشکی منتقل شد و به "بیمارستان زنان" موسوم شد^[12, 30]. در سال ۱۳۲۲ بخش و درمانگاه بیمارستان زنان به محل کنونی واقع در خیابان انقلاب منتقل شد و در سال ۱۳۲۳ شمسی، زمانی که پروفیسور/برلین فرانسوی رییس دانشکده طب دانشگاه تهران بود، با تصویب شورای دانشگاه و به پاس خدمات گران‌بهای بهداشتی و فرهنگی بنیانگذار آن، به نام (بیمارستان/امیرعلم) نامیده شد^[13].

پس از تأسیس بیمارستان نسوان و تجربه‌ای که با سیر تطور آن از نظر درمان و آموزش پزشکی و قابلیت به دست آمد، بیمارستان‌های دیگری هم پا در عرصه فعالیت نهادند. همچنین با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ شمسی، دوره‌های مختلف پزشکی شروع به کار کردند، از سال ۱۳۲۸ بیمارستان‌های آن زمان تهران، به دانشکده پزشکی ملحق شدند. جهان‌شاه صالح پس از فارغ‌التحصیل‌شدن از دانشگاه سیراکیوز در حدود سال ۱۳۱۳ شمسی به ایران بازگشت^[31]، دکتر ابوالقاسم بختیار مشهورترین پزشک زنان در تهران که در

- Iran. [Persian]
- 18- National Library and Archives of Iran. Accession No.240009267. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 19- Farahani H. Calendar of Iran's contemporary history. Tehran: Political studies and research center; 2009. p.253. [Persian]
- 20- National Library and Archives of Iran. Accession No.2400032562. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 21- National Library and Archives of Iran. Accession No.240095867. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 22- National Library and Archives of Iran. Accession No.113009. Row No.54422. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 23- National Library and Archives of Iran. Accession No.113009. Row No.52431. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 24- Gilmour J. Iran's health situation report in Iran. Tehran: Board of Conduct Health and social services Press; 1975. [Persian]
- 25- National Library and Archives of Iran. Accession No.29728655. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 26- National Library and Archives of Iran. Accession No.103004. Row No.6368. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 27- National Library and Archives of Iran. Accession No.103004. Row No.6349. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 28- National Library and Archives of Iran. Accession No.103004. Row No.6443. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 29- General Directorate-Statistics Division. Statistics Annual, 1938-1939. Tehran: Ministry of culture. p.p. 6-7. [Persian]
- 30- Salari H, Aalam A; Modern health in Iran. Tehran: Mehrab-e ghalam; 2013. p.17. [Persian]
- 31- Afshar I, Nikoyeh MC. Nadereh karan (mourning letter for Cultural and literary renowneds) 1925-2002. Tehran: Ghatreh; 2004. p.915. [Persian]
- 32- Movahedi MM. The Biography the famous cantemporary Iranian physicians. Tehran: Moaseseh Nashre Oloom va Fonoon; 1992. p.p.201-2. [Persian]
- 33- Agheli B. A Comprehensive dictionary of Contemporary Iranian and mititary Personalities. Tehran: Goftar- -Nashr-e Elmi; 2001. p.1452. [Persian]
- year of establishment of the Terhran University of Medical Sciences 1934-2009. Tehran: Tehran University Press; 2009. pp. 17-8. [Persian]
- 2- Ghasemi F. Pars Annual. Tehran: Amiarkabir Publication; 1964. p. 109. [Persian]
- 3- Namjooynik K. The history of military medicine. Tehran: Iran-e-Sabz; 2009. p.78. [Persian]
- 4- Serena C. Madam Carla serena's itinerary in Iran. Saeidi AA, Translator. Tehran: Zavar; 1983. 335p. [Persian]
- 5- Tehran Medical Science University. Sina hospital in the course of time. Tehran: Tehran University Press; 1999. p.13. [Persian]
- 6- Taryakian H. TalimolGhavabel: Midwifery training in Qajar. Tehran: Sarem Book; 2014. p.p.2-11. [Persian]
- 7- Tashayod AA. Aramaghan-e Javid or Doctor Aalam's Biography. Tehran: Islam's history magazine; 1961. p.61. [Persian]
- 8- Anonymous writer. Untitled. Shokoofeh Newspaper. 1915 Jun 6;3(12):2-4. [Persian]
- 9- Malek zadeh E. A glance to charity affairs in Qajar Era. Tehran: Shahr-e Ray Islamic Azad University; 2006. p.131. [Persian]
- 10- Rostae M. History of medicin in Iran. Tehran: National Library And Archives Of Iran; 2003. p.226. [Persian]
- 11- National Library And Archives Of Iran. Accession No 24094406. Tehran: National Library And Archives Of Iran. [Persian]
- 12- No'maani-pour GR. Research in the history of Imam Khomeini Hospital. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 1999. p.78. [Persian]
- 13- Yaghmaiee E. Science and education and culture Ministers of Iran. Tehran: Iran University Press; 1996. p.p.184-5. [Persian]
- 14- Mahbobi Ardekani H. History of New Civilization Institutions in Iran. Tehran: Tehran university Press; 1992. p.p.416-7. [Persian].
- 15- Ayati A. Preparations for Qajar dethronment and Reza-Khan's coronation by audigheh one the Darul-Funun, French teachers and ms. dermps, Former student of the Eastern languages school. Tarikh-e Moaser-e Iran. 2004;8(29):31-49. [Persian]
- 16- National Library And Archives Of Iran. Accession No.297043704. Tehran: National Library And Archives Of Iran. [Persian]
- 17- National Library and Archives of Iran. Accession No.297011414. Tehran: National Library and Archives of